**عنوان مقاله: بازسازی بافت های فرسوده و توسعه شهری یزد (مطالعه موردی: میدان خان یزد)**

شهره شکری

shohreshokri@yahoo.com

**چکیده**

یکی از جلوه های عینی و ملموس هویت تاریخی هر شهری دریافت های سنتی و کهن آن نمود مادی می یابد. تصویری که گویای پدیده های فرامنطقه ای و در عین حال بومی و محلی است. بالطبع در اثر گذشت زمان، چنین بافت هایی که حکم شناسنامه شهر را دارند، دچار فرسایش فیزیکی می شوند. از این رو ضرورت بکارگیری نوعی برنامه کاربردی و جامع جهت احیا، مرمت و بازسازی آنها بیش از پیش روشن می شود. بخصوص با نفوذ عناصر زندگی مدرن و سبک زندگی شهرنشینی، این مسئله اهمیت خود را بیشتر نشان می دهد. این مقاله تلاش دارد ضمن ارائه سیمای کلی از موقعیت این بافت ها در شهرهای کویری که به نوعی نماد مناطق سنتی هستند، در قالب یک مطالعه موردی به لزوم بازبینی برنامه های مدیریت شهری نسبت به بهبود وضعیت فضای پیرامون میدان خان یزد بپردازد. یافته ها بیانگر این نکته است که ضرورت اتخاذ نوعی مشارکت و تعامل دو سویه بین شهروندان و مسئولین شهری و همچنین ارتقای سطح آگاهی جهت تسهیل فرایند حل چنین معضلاتی به شدت احساس می شود.

**واژگان کلیدی:** بافت فرسوده، توسعه، شهر، مرمت، مشارکت، میدان خان، یزد

**مقدمه و طرح مسئله**

فضای یک شهر صرفنظر از موقعیت تاریخی، فرهنگی و جغرافیایی اش، مجموعه ای چند بعدی از مولفه های گوناگون است، فضایی که طیف متنوعی از افراد را در جای داده است. مسلما در جامعه ناهمگون امروز، وجود «نابرابری شهری» امری بدیهی است اما علیرغم وجود چنین مشکلی، در هر شهر به مثابه یک کلیت، خرده فضاهایی وجود دارد که برخی از آنها نه فقط به عنوان یک کالبد فیزیکی بلکه به عنوان یک عنصر تداعی گر تاریخی و هویتی شهر محسوب می شود. جایگاه شهرهای کویری از این حیث بسیار اهمیت دارد چرا که چنین شهرهایی پیوند تنگاتنگ و ناگسستنی با سنت و تاریخ دارند. اما نکته قابل توجه این است که راهکار کاربردی جهت جلوگیری از فرسایش این بافت ها چیست؟ و اساسا چه مسیری را باید طی نمود تا تقابل بافت های سنتی – مدرن در چنین شهرهایی تبدیل به نوعی تعامل شود؟

راه پایان دادن به این تناقضات چه می تواند باشد؟ این مقاله با طرح این پروبلماتیک قصد دارد موکدا با مطالعه یکی از بافت های سنتی شهر یزد یعنی میدان خان، به چنین مسئله ای با دیدی اجتماعی نگریسته و ریشه های آن را واکاوی و تبیین نماید. طبعا این موضوع اتخاذ روش های کیفی – اسنادی را در کنار داده های شفاهی و از خلال مصاحبه، می طلبد.

لذا بر مبنای این رویکرد، فرایند گردآوری اطلاعات را آغاز نموده و سپس با ادغام داده های مکتوب و شفاهی و مصاحبه، سعی در ارائه الگویی راهبردی، البته نه فقط برای این مورد، بلکه برای تیپ های مشابه آن نیز به عمل آمد.

**اهمیت بافت های تاریخی**

شهر یزد چه برای ساکنین آن و چه برای توریست ها و سایر افراد که از بیرون به آن نگاه می کنند، همواری شهری کهن و ریشه دار است که رنگ و بوی مذهب و سنت به خوبی در آن احساس می شود. اماکن تارخی نظیر: میدان امیر چخماق، باغ دولت آباد، شش بادگیر، میدان خان و... در کنار کوچه های قدیمی با سبک و سیاق معماری خاص خود، نمایان گر هویت غنی می باشد و از این لحاظ نوعی حس تعلق مشترک بین افراد حاکم می شود. در هر حال «شهر، جایگاه سکونت، کار و فعالیت و جای کالبدی تفکر و احساس انسانهاست و به همین دلیل باید به نیازهای گوناگون مادی و معنوی آنان پاسخ گوید. کالبد مجتمع زیستی تنها فضای زیست عملکردی را در اختیار شهروند، قرار نمی دهد. بلکه خود دنیای وسیعی است که ضمن شکل گیری، به ثبت ارزش های پنهان در ضمیر سازندگان آن، در قالب فرم کالبدی می پردازد» (رضا زاده: 8).

بافت های سنتی شهر یزد، مملو از نمادهایی هستند که به تبدیل شهر یزد به یک تیپ از شهر نشانه ها کمک شایانی نموده است.

«نشانه شناسی شهری را می توان مطالعه ای بر نشانه ها و نمادها تعریف کرد که یا به شهر تعلق دارند و یا به صورتی مستقیم با شهر در ارتباط اند. نشانه شناسی شهری از نوعی بارگذاری معنایی بر همه پدیده های شهری حرکت می کند که به صورت گسترده ای از فرایند «تفاوت یابی» استفاده کند. تفاوت عاملی است بر تشخص و هویت یافتن» (فکوهی، 1387: 302).

**میدان خان از گذشته تا امروز**

«شهرهای تاریخی و کهن ایران همانند یزد، کاشان، اصفهان و شیراز متناسب با نیازها و شرایط محیطی و دسترسی ها شکل گرفته اند» (هاشم نژاد: 15).

ما در مواجهه با هر بافت تاریخی و سنتی با دو نوع فضا روبرو هستیم.

«انسان فضای زیست کالبدی را نخست به کمک حواس پنج گانه خویش دریافت می کند. به این مفهوم که ویژگی های عینی و فرمی فضا را درک می کند. این برداشت و درک از محیط را می توان فضای دریافتی نامید. اما همانطور که گفتیم فضای زیست کالبدی تنها ویژگی های کالبدی خود را بیان نمی کند بلکه مفاهیم، ارزش ها و پیام هایی نیز در آن نهفته است که به کمک فضای کالبدی بیان می شود و در واقع فضای دریافتی می تواند تداعی گر طیفی از مفاهیم باشد، مفاهیمی که از واضح و روشن گرفته تا جنبه های عملکردی، ارزشی و مفاهیم سمبلیک را شامل می گردد. این فضا را می توانیم فضای متداعی و یا التزامی بنامیم» (رضازاده، همان: 8).

با نگاهی تطبیقی و بر اساس اطلاعات مستخرج از مصاحبه با اطلاع رسان ها (خانواده مبین) که ساکن شهر یزد هستند، میدان خان از ابتدای شکل گیری شهر وجود داشته و شهر در گذر زمان وسعت و گسترش یافته است. این میدان محل تجمع حرف گوناگون بوده است و البته سالیان قبل در کنار این میدان و خیابان های اطراف آن به اصطلاح خود مردم «سلمونی»ها و آرایشگران کار می کردند که بعد مشاغل دیگری مانند مسگرها، میوه فروشی، فرش فروش ها، پارچه فروش ها، چایخانه ها، بانک شاهی و فضاهای جدیدی مانند حوزه علمیه در حال حاضر نیز اضافه شدند.

اما در این میدان به لحاظ معماری و به مثابه یک فضای دریافتی، نوعی تناسب بین کالبد این فضا با نیازهای کنشگران مشاهده می شود و البته در جایگاه یک فضای التزامی، تداعی کننده رویدادهای هویت بخش تاریخی، سنتی و مولفه های خاص خود به مردم یزد می باشد که می تواند با اجرای یک برنامه ریزی مناسب، فضای جالب توجهی را برای آنها و گردشگران فراهم آورد.

**میدان خان یزد: یک میدان ناحیه ای**

**میدان:** «فضاهای باز و وسیعی که دارای محدوده ای محصور یا کمابیش معین بودند و در کنار راه ها یا در محل تقاطع آنها قرار داشتند و دارای کارکردی ارتباطی، اجتماعی، تجاری، ورزشی، نظامی یا ترکیبی از دو یا چند کارکرد مزبور بودند، میدان نامیده می شدند» (سلطان زاده، 1372: 82).

«حوزه کارکردی میدان های ناحیه ای بیشتر به یک ناحیه از شهر اختصاص داشت و ماهیت فعالیت ها و فضاهای واقع در آنها نیز پاسخگوی نیازهای چنین حوزه ای بود. در بعضی از شهرهای بزرگ دو یا چند میدان از این نوع دیده می شد. بسیاری از میدان های تجاری درون شهری از چنین خصوصیتی برخوردار بودند» (همان، 94).

لذا پیرامون میدان خان را فضاهای تفکیک شده ای با معماری سنتی، تشکیل داده است که هر یک خاص رفع یکی از نیازهای شهروندان بوده است. به همین خاطر یک میدان ناحیه ای تلقی می شود. اما آنچه که مهم است، نوع تغییرات ایجاد شده در این محل از لحاظ مادی و کاربردی و همچنین انسانی است.

**موقعیت کنونی میدان خان**

پیش از تحلیل موقعیت امروزین این محل و تغییرات رخ داده در آن، باید به این پرسش پاسخ داد که چرا ترسیم وضعیت کنونی این فضا مهم است؟

«نحوه تعبیر و تفسیر فضای کالبدی خود به دو عامل اصلی بستگی دارد، نخست کیفیت محیط کالبدی و دوم استفاده کننده از فضا» (رضازاده، همان: 8).

«دریافتیم که کالبد یک مجتمع زیستی خود بیانگر روح حاکم بر جامعه شکل دهنده آن بوده و می تواند هم اشاره به ریشه ها و قدمت تاریخی آن داشته باشد و هم ارزش های کهن آن را به نسل بعد منتقل نماید. بی شک بافت سنتی شهرهای ما نیز از این قاعده مستثنی نبوده و مفاهیم، ارزش ها و سمبل هایی را در خود پنهان دارند» (همان، 9).

**یک تناقض اساسی!**

یک نکته مهم این است که اگر صحبت بر سر حفظ بافت های سنتی است، چرا حتی عده ای از ساکنین شهر با این میدان آشنایی ندارند و این موضوع با تغییرات نسلی به نسل حاضرگذار کرده است؟ آیا موقعیت جغرافیایی و فیزیکی این میدان که تقریبا در فضایی دورافتاده از شهر است، سبب این مسئله شده است؟ با نگاهی کلی تر و از طرف دیگر «ساکنین بافت های [سنتی] از کیفیت زندگی و شرایط نامطلوب زیستی بافت های تاریخی شکوه داشته اند و همواره خواهان تغییر و اصلاح بافت ها بوده و همیشه هم خواسته هایی رفاهی را طرح کرده اند و از سوی دیگر طراحان از زیبایی ها، ارزش ها و سمبل ها سخن گفته اند و بازدیدکنندگان نیز در برخورد با بافت تاریخی، مشکلات عینی را حس نمی کنند و به آن به عنوان اثر هنری و میراث فرهنگی گذشته نگاه می کنند» (همان، 9).

حال سوال اینجاست که چنین تناقضی چگونه قابل حل است؟

عدم دخالت در کالبد چنین بافت هایی، علیرغم حفظ بافت اصلی آن، سبب فرسودگی تدریجی آن خواهد شد. راه حل چیست؟

**آسیب شناسی میدان:** براساس اطلاعات حاصل از مصاحبه هایی که انجام شد، مهم ترین معضلاتی را که این فضا با آنها روبروست، می توان در مسائل زیر طبقه بندی کرد:

* تشدید فرسایش فیزیکی میدان خان، حمام خان و...
* بلااستفاده ماندن فضاهای اطراف میدان و ازدیاد فضاهای منفعل
* کژکردی شدن برخی فضاها مانند بانک شاهی که محل برگزاری نمایشگاه های هنری و... شده است

.

* تبدیل شدن فضای درونی میدان به محل تجمع و گفتگوی سالمندان و گذران اوقات فراغت در آنجا.
* محدودیت فضایی و دسترسی ارتباطی سخت (که سبب آشنا ماندن محل برای برخی ساکنین بافت جدید شهر شده است).
* ایجاد نوعی چالش و مناقشه بین شهروندان و نهادهایی مانند شهرداری، میراث فرهنگی و.. بر سر نوعی تفکیک فضایی پیرامون میدان.
* در هر حال این میدان به عنوان محل عرضه و تقاضا از دیرباز فضایی برای رفع نیازهای مردم بوده است. لذا حفظ کارکرد ناحیه ای برای میدان خان، در کنار اعمال مجموعه ای از تغییرات سنجیده، امری ضروری به نظر می رسد که می بایست مورد توجه مسئولین شهری و شهروندان قرار گیرد.

آنچه که مهم است تاثیر و تاثر بین فضای دریافتی و التزامی است. در حقیقت «اگر کالبد پاسخگوی نیازهای مادی نباشد، نمی توان زیبایی های معنوی و مفاهیم سمبلیک آن را دریافت. و اگر در قیاس با امکانات مادی که فضای کالبدی دیگری فراهم می آورد، نیازهای مادی کمتر پاسخ داده شود، دیگر فضا اوج بیشتری یافته و نه تنها بافت قدیم نفی می گردد، بلکه فرهنگ بنیادین آن نیز زیر سوال می رود» (رضازاده، همان: 10).

**پیامدهای منفی**

مسلما اگر به مشکلات و مسائل ساکنین بافت قدیم شهر یزد، توجه کافی و وافی نشود، عواقبی نامطلوب را در پی خواهد داشت که بالطبع بر کلیت بافت شهری نیز موثر است:

الف) شکاف طبقاتی: «بطوریکه طی چند دهه اخیر سرعت توسعه و امکان دسترسی به بخش های جدید و همچنین مشکلات زیرساختی موجود در بافت قدیم چون عدم وجود امکانات شهری کافی و دسترسی همواره به داخل بافت سبب ایجاد اختلاف رفاهی شدید میان بافت قدیم و جدید شده است» (همان، 10).

ب) افزایش مهاجرت: ساکنین بافت قدیم که تمایل شدیدی به سکونت در بافت های جدید را دارند، از این منطقه مهاجرت نموده و طبقه اجتماعی جدیدی که از امکانات مالی کمتری برخوردار هستند به بافت قدیم روی می آورند.

ج) تشدید فرسایش کالبدی – انسانی بافت: عدم امکانات سرمایه گذاری این قشر در بافت قدیم و همچنین عدم توجه مسئولین به نیازهای جدید بافت قدیم سبب گردیده که فرسایش کالبدی بافت تشدید شود. همچنین ویژگی های اجتماعی – اقتصادی و فرهنگی ساکنین جدید بافت هم موثر است (همان، 10).

**راهکارها و پیشنهادات**

برای حل معضلات بافت های قدیم در طول دوره های زمانی گذشته تا امروز راه حل های مختلفی ارائه شده است که به مهم ترین آنها اشاره می گردد:

1- طرح های روانبخشی: این طرح ها، مشکلات را عمدتا در حد کالبد بافت می دیدند، و به خصوص عدم دسترسی سواره به درون بافت را یک معضل مهم شناخته و به دخل و تصرف و ایجاد معبر در بافت پرداختند. در حالیکه مسئله بافت های سنتی تنها ایجاد دسترسی نیست. مسئله هم حفظ کالبد است و هم حفظ ارزش ها و روحیه حاکم بر بافت. از سویی علاوه بر کالبد می بایستی به عملکردها نیز توجه نمود (همان، 11).

2- طرح های مرمت و احیا: این طرح ها می بایستی نه تنها مرمت کالبدی و حل معضلات کالبدی ضمن حفظ ویژگی های مطلوب آن بوده، بلکه در نظر گرفتن کاربری ها و عملکردهایی در بافت باشد که متضمن تداوم حیات بافت نیز گردد.

3- «بافت های مرکزی و تاریخی شهرها به طور محسوس فرسوده و هویت خود را از دست می دهند. چرا در برنامه های توسعه شهری آن ها را نوسازی و یا بازسازی نمی کنیم، تا راه تشویق و ترغیبی برای این امر مهم فراهم گردد. در محدوده بافت های قدیمی و با ارزش بایستی بناهای از نو ساخت تا به این ترتیب ضمن ارج نهادن به این میراث کهن روح تازه و فعالی در کالبد بافت های قدیمی و فرسوده دمیده شود. منظور بناهایی فرهنگی و اداری نظیر کتابخانه ها ، فرهنگستان ها و موزه ها و نمایشگاه ها و ساختمان های اصلی اداره هاست. بدیهی است مشکلات و دسترسی ها و معضلات ارتباطی آن را بایستی در مجموع مورد بررسی قرار داد. بدین ترتیب ضمن رعایت توجه به معماری با ارزش گذشته با برپایی چنین بناهایی مراکز تاریخی شهرها را از نو زنده و فعال کرده ایم» (هاشم نژاد، همان: 17).

**جمع بندی:**

«بطور کلی، گرچه احیای کالبدی، اقتصادی و اجتماعی در تعامل و مرتبط با یکدیگیرند. اما احیای اقتصادی را می توان جنبه کارکردی و ضامن احیای کالبدی و اجتماعی تلقی کرد. این اقدام مهم باید در قالب راهبردهای مدون و برنامه ریزی شده و با هدف حفظ جنبه های تاریخی، فرهنگی و اجتماعی که در قالب کالبد نمود یافته اند، انجام گیرد. به این ترتیب، احیای اقتصادی به تداوم حیات حقیقی و سازوکار مراکز قدیمی شهرها می انجامد و توسعه پایدار بافت های قدیمی و ارزشمند شهری در کشور را تضمین می کند» (خاکساری، 1383: 3-132).

«بدون شک انتظام بخشیدن به بافت های تاریخی شهرهایمان با نیازهای زندگی امروز که موجد تجارب مطلوبی در ذهن استفاده کنندگان باشد، قدمی در راه استقلال فرهنگی کشور خواهد بود. از این رو پرداختن به بافت تاریخی تنها شوری دلتنگانه برای گذشته نیست، بلکه نوعی مقابله فرهنگی است که به واسطه کالبد انجام می گیرد» (رضازاده، همان: 11).

به نظر نگارنده از طریق اتخاذ برنامه های مطروحه در طول مقاله که از سوی صاحبنظران متعددی ارائه شده است، می توان از سرایت الگوهای کاذب «شمال – جنوب»، «بافت قدیم – جدید»، «حومه – کلان شهر» و... که در شهرهایی مثل تهران نهادینه شده، در شهرهای سنتی و تاریخی مانند یزد پیشگیری نمود. در حقیقت حفظ و مرمت اماکن تاریخی و هویت بخش یزد مانند میدان خان که محل تلاقی تاریخ و سنت هستند، از تبدیل شدن یک تقابل جغرافیایی به یک تقابل فرهنگی – اجتماعی که نتیجه را جزء تبعیض، بی عدالتی و نابرابری شهری ندارد ممانعت کرد و این امر نیز مسیر حل معضلات بافت های سنتی را تا حد زیادی هموار می سازد.

**منابع و ماخذ:**

* خاکساری، علی، بهار و تابستان، 83، احیای اقتصادی مراکز شهرها و بافت های قدیمی، هفت شهر، سال پنجم، شماره 16 و 15 (اقتصاد عمران و بهسازی شهری).
* رضازاده، راضیه، حفظ بافت تاریخی به مثابه حفظ فرهنگ ملی، مجله معماری و فرهنگ.
* فکوهی، ناصر، 1387، انسان شناسی شهری، تهران: نشر نی.
* هاشم نژاد، هاشم، هویت در سیمای شهر، مجله معماری و فرهنگ (فضای شهری و شهروندان).